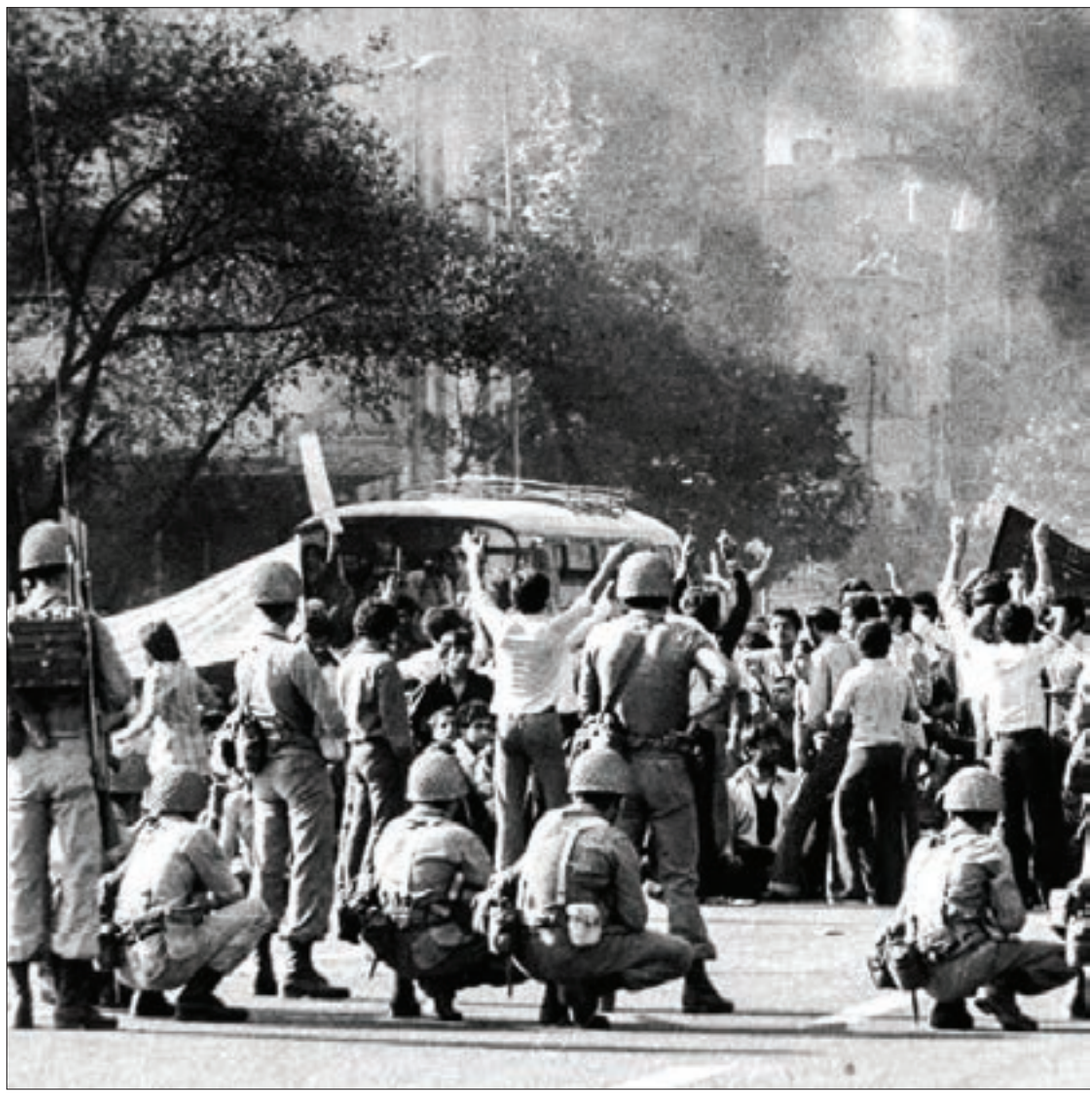


در نخستین ساعات عصر ۱۷شهریور، مردم مشهد در خیابان‌های منتهی به مسیر فرودگاه، تجمع و شروع به تظاهرات کردند. ازدحام استقبال‌کنندگان در فرودگاه به‌حدی بود که ماموران امنیتی رژیم تصمیم گرفتند آیت‌ا... قمی را با همان هواپیمایی که به مشهد آمده بود، به تهران بازگردانند.

اطلاع مردم از این تصمیم، باعث درگیری آنان با ماموران حکومت شد. در جریان این درگیری‌ها چندنفر و از آن میان چهار نوجوان و جوان به نام‌های جواد فلاح‌قلندرآبادی چهارده‌ساله، حسین حسینی چهارده‌ساله، احمد عرفانی هجده‌ساله و جمال فریدزاده هفده‌ساله در زدوخوردهای مقابل پمپ‌بنزین خیابان گاراژدارها و خیابان ضد، کشته و چند نفر دیگر زخمی شدند. در چنین شرایطی آیت‌ا... قمی در میان استقبال باشکوه مردم وارد شهر مشهد شد. با توجه به راهپیمایی‌های گسترده مردم ایران ضد دولت شریف‌امامی، وی ناگزیر از تجدیدنظر در سیاست‌های اعلام‌شده خود مبنی‌بر مدارا با روحانیون و مخالفان شد و در روز ۱۷شهریور در چند شهر بزرگ ایران و از آن میان شهر مشهد حکومت‌نظامی اعلام کرد. در این روز سرتیپ عبدالرحیم جعفری به فرمانداری نظامی مشهد منصوب شد و طی اعلامیه‌ای، برقراری حکومت‌نظامی در مشهد را اعلام کرد.

حکومت در اعلامیه‌های بعدی خود که در روز ۱۸شهریور صادر شد، محدودیت ساعات رفت‌وآمد در مشهد را عمومی کرد. براساس این اطلاعیه‌ها، رفت‌وآمد مردم از ساعت ۹ شب تا ۶صبح و اجتماع بیش از سه نفر در طول روز و انجام هرگونه اقدام تحریک‌آمیز و حمل هرگونه سلاح سرد و گرم، ممنوع اعلام شد. مردم مشهد بی‌توجه به مقررات و تهدیدهای حکومت‌نظامی، رفتارهای انقلابی خود را همچنان ادامه دادند. به‌دنبال سرکوب و کشتار مردم تهران در روز ۱۷شهریور، در مشهد سه روز تعطیلی و عزای عمومی اعلام شد. در این سه روز تظاهرات پراکنده اما مستمر از طرف اقشار مختلف مردم در گوشه‌وکنار شهر برگزار شد.

حضور دوباره آیت‌ا...قمی در مشهد و بازگشت آیت‌ا... سیدعلی خامنه‌ای از تبعید، زمینه بزرگ‌تر و پررنگ‌تر شدن مبارزات علمای مشهد را فراهم کرد.

رهبر معظم انقلاب در نقل خاطرات خود درباره وضعیت شهر مشهد در این زمان، چنین بیان کرده اند: «اواسط سال ۵۷ بود که از تبعید بازگشتم. بنده وقتی از تبعید وارد مشهد شدم، آنچه در مشهد دیدم، برایم باورکردنی نبود و با اینکه ما در تبعید خبرها را می‌شنیدیم، اما آن واقعیت عظیمی بود. شب و روز در مشهد راهپیمایی بود و مردم به راهپیمایی عادت کرده بودند.»

آیت‌ا...قمی نیز در همان روزهای اولیه ورود به مشهد، طی سخنانی ماهیت و مشروعیت رژیم پهلوی را زیر سوال برد و خواهان آزادی زندانیان سیاسی، اجرای احکام قرآن و دستورات اسلام و بازگشت تبعیدشدگان به کشور شد.

ماموران رژیم که از قدرت‌یابی بیش از حد علما و روحانیون مشهد در این برهه به وحشت افتاده بودند، در نشستی که با حضور استاندار خراسان، فرمانده لشکر ۷۷، فرمانده ناحیه ژاندارمری و سرپرست شهربانی‌های خراسان تشکیل دادند، تصمیم به اعمال فشار و ایجاد محدودیت برای این عده گرفتند. بر این اساس، دستور بازداشت روحانیان شاخص مشهد صادر شد و در این چارچوب، «سیدکاظم مرعشی» و «محمدمهدی نوغانی» دستگیر و «آیت‌ا... ابوالحسن مقدس‌شیرازی»، «آیت‌ا... واعظ‌طبسی» و «سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد» متواری شدند.

درباره تعداد کشته‌شدگان این روز، همانند سایر سرکوب‌ها، آمار ضدونقیضی ارائه شد؛ مثلا عمادالدین باقی، از پژوهشگران تاریخ، تعداد کشته‌ها را ۸۸نفر می‌داند و پارسونز، سفیر وقت انگلیس در تهران، از کشته شدن صدها نفر یاد می‌کند. سولیوان، سفیر آمریکا، نیز تعداد آن‌ها را بیش از ۲۰۰نفر می‌نویسد و برخی دیگر از مقامات آمریکایی تا ۴۰۰نفر را ذکر کرده‌اند. اما در مشهد بنا بر گزارش فرمانداری، تعداد مجروحان ۱۰نفر بوده و تعداد کشته‌ها به ۴نفر رسیده است.

منبع: گفت‌وگو با دکتر یوسف متولی‌حقیقی، کتاب خاطرات شهید محلاتی در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خاطرات حجت‌الاسلام ناطق‌نوری در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بولتن خبرگزاری پارس در ۱۷شهریور ۵۷، مجله ۱۵خرداد، شماره ۲۰۵ تابستان ۱۳۸۸، صحیفه امام‌خمینی(ره) صفحه ۴۷۸

علمایی همچون میرزاجوادآقا تهرانی، محمدمهدی نوغانی، سیدکاظم مرعشی و ابوالحسن‌شیرازی برگزار کردند. در پایان این راهپیمایی که ۱۰هزار مشهدی در آن شرکت کرده بودند، آیت‌ا... عباس واعظ‌طبسی در مقابل حرم مطهر رضوی برای اجتماع‌کنندگان سخنرانی کرد و در پایان با قرائت قطعنامه‌ای ضمن ابراز مخالفت با دولت شریف‌امامی، خواهان برقراری نظام اسلامی، آزادی زندانیان سیاسی، اجرای صحیح قانون اساسی و بازگردانیدن امام‌خمینی(ره) به ایران و آقای قمی به مشهد شد. دولت شریف‌امامی در ۱۳شهریور، دستور آزادی آیت‌ا... قمی را که از سال ۱۳۴۶ به حالت تبعید در کرج به‌سر می‌برد، صادر کرد.

۱۵شهریور۱۳۵۷-مشهد

در روز ۱۵شهریور و بعد از برگزاری مجلس ختمی برای شهید مهدی‌زاده حکاک در مسجد امام‌رضای خیابان آبکوه، مردم در خیابان‌های آبکوه، شاهرخ(مطهری فعلی) و میدان شاه(شهدای فعلی) و خیابان نادری(شیرازی فعلی) دست به تظاهرات زدند که با دخالت پلیس پراکنده شدند. در همین ایام آیت‌ا... شیرازی با صدور اعلامیه‌ای، خبر ورود آقای قمی به مشهد را اعلام کرد و از مردم خواست تا در مراسم استقبال او در ساعت ۴بعدازظهر ۱۷شهریور شرکت کنند.

۱۷شهریور۱۳۵۷-مشهد

امام‌خمینی (ره) در پی آزادی آیت‌ا... قمی، نامه‌ای برای ایشان ارسال کرد که بخشی از آن، چنین است: «آزادی جنابعالی پس از ۱۲سال زندان غیرقانونی و غیرانسانی به جرم حق‌گویی و حق‌طلبی موجب مسرت گردید. کشتار بی‌رحمانه ماه‌های اخیر، خصوصا کشتار بی‌شماری از فرزندان اسلام که تعداد کشته‌شدگان را بیش از ۴هزار نفر نقل می‌کنند، یکی دیگر از نمونه‌های آزادی و تمدن بزرگ و آشتی دولت شده است. تا برقراری این رژیم منحط، امید آزادی پوچ و ستمکاری و خیانت ادامه دارد. اکنون که شاه با قدرت کوبنده ملت مواجه است و ناچار است که با حکومت‌نظامی و سرنیزه، به حیات غیرقانونی خود ادامه دهد، برای اغفال مردم، تظاهر به دلسوزی برای زلزله‌زدگانی می‌کند که به هیچ‌وجه در محیطی که زلزله‌خیز است، هیچ‌گونه اقدامی برای حفظ جان مردم محروم از او صورت نگرفته است. اکنون که شاه، ملت را از هستی ساقط و هرچندگاه دست به قتل‌عامی تازه می‌زند، برای زلزله‌زدگان دلسوزی می‌کند که خود در اثر بی‌توجهی در امور خانه‌سازی، خانه‌های آنان را بر سر مردمش خراب کرده است... از خداوند تعالی سلامت جنابعالی و عظمت اسلام و مسلمین و قطع ایادی اجانب را خواهانم. والسلام‌علیکم و رحمه‌ا...»



دستور امام خمینی(ره) مبنی بر تامین هزینه زندگی خانواده‌های شهدای ۱۷ شهریور و گزارش ساواک از مبالغ میلیون تومانی که به واسطه این دستور توسط روحانیون جمع‌آوری شد



گزارش ساواک از ادعاهای مامور بانک ملی بهشت زهرای تهران که رقم کشته شده‌ها را ۳۲۰۰ نفر اعلام کرد



گزارش ساواک از تظاهرات قشریون مذهبی در روز ۱۳ شهریور که حدود ۶۰هزار نفر برآورد شده‌اند. در این گزارش به تعطیلی‌های بازار پس از این تظاهرات هم اشاره شده و سپس به تظاهرات عمومی روز ۱۶ شهریور؛ روز قبل از فاجعه پرداخته است

یک قصه یک آیین

لی‌لی‌پوت در خراسان

ما «لی‌لی‌پوت» را روی صفحه جادو بسیار دیده‌ایم. شهری با مردمانی کوچک و کوتاه که تنها می‌شد در قصه‌ها آن را پیدا کرد، بی‌خبر از اینکه لی‌لی‌پوت جایی در همین خراسان خودمان هم وجود دارد با همان مردمان کوچک و کوتاه‌قد. روستای ماخونیک یکی از هفت روستای شگفت‌انگیز جهان است که آن را شهر لی‌لی‌پوت‌های خراسان لقب داده‌اند. برخی، اهالی این روستا را اصالتا افغانستانی‌هایی می‌دانند که در گذشته از سرزمینشان کوچ کرده و در خراسان ساکن شده‌اند. برخی اسناد قدیمی، قدمت این روستا را به ۳۰۰سال قبل می‌رساند که در آن‌ها نام روستا «مادخنیک» نوشته شده است. گفته می‌شود در گذشته، عده‌ای از مأموران دولتی به این روستا آمده و اهالی به‌گرمی از آن‌ها استقبال نکرده‌اند و با آن‌ها برخورد سردی داشته‌اند و آن‌ها این نام را برای روستا انتخاب کرده‌اند. عده‌ای هم معتقدند به‌دلیل وجود شکافی در کوه نزدیک روستا، به آنجا ماده ماخونیک گفته می‌شده که به‌مرور زمان به ماخونیک تغییر نام یافته است. ناگفته نماند که درباره این روستا هیچ سابقه تاریخی مکتوبی وجود ندارد و فقط «کلنل چارلز ادوارد ییت» در کتاب سفرنامه خراسان و سیستان در دوره ناصرالدین‌شاه به توصیف منطقه ماخونیک پرداخته است. از شواهد چنین برمی‌آید که ساکنان روستا در ابتدا دامدار و کوچ‌نشین بوده‌اند و در دوره‌های بعد در منطقه ماخونیک و به‌ویژه در روستای ماخونیک سکونت گزیده‌اند. وجود سنگ‌نگاره‌ای در نزدیکی قنات ماخونیک که نقش‌های چوپانی و بسیار قدیمی بر روی آن نقش بسته است، نیز گواهی بر قدمت سکونت در ماخونیک است. از آثار تاریخی ماخونیک می‌توان به سنگ سیاه(سنگ‌نگاره) ماخونیک، بنای برج و قلعه، برج گل انجیر، منزل سرگردونی و نادر مرده اشاره کرد.

باغ رضوان، سال ۱۳۵۶



قاب خاطره

یادی از پیش‌گامان مدرسه‌سازی در مشهد

آنان که چراغ علم‌آموزی را روشن کردند

طوبی اردلان



در محلات قدیم، این ملاها و ملاباجی‌ها بودند که وظیفه قلم به دست نشاندن بچه‌ها و آموختن حروف فارسی را برعهده داشتند. علمی که در خواندن و نوشتن، دانستن برخی اشعار پندآموز سعدی و صدالبته روخوانی و تلفظ قرآن کریم خلاصه می‌شد و به همین سبب به آن سواد قرآنی هم می‌گفتند. اما با تاسیس مدارس نوین، ورق برگشت و بچه‌ها توانستند با ثبت‌نام در آن و نشستن پشت نیمکت کلاس، با علوم روز جهان آشنا شوند و پله‌های علم‌آموزی را یک‌به‌یک بالا بروند. نزدیک شدن به روز جهانی مبارزه با بی‌سوادی سبب شد تا در سطرهای پیش‌رو یادی کنیم از نخستین مدرسه‌سازان مشهد که پس از ملاها و ملاباجی‌ها، چراغ علم‌آموزی را در ارض‌اقدس روشن نگاه داشتند.

پیش‌گامان مدرسه‌سازی در مشهد

حاج‌اسدا... معرفت خامنه:



حاج‌اسدا... معرفت خامنه از فرهنگ‌دوستان و تجار معروف آذربایجان بود که در روسیه و داغستان به کار تجارت اشتغال داشت. وی پس از اغتشاش‌ها و درگیری‌های روسیه در سال ۱۲۷۷ خورشیدی به مشهد مهاجرت کرد و در مجاورت آستان قدس مشغول کسب‌وکار و تجارت شد. او بعد از استقرار در مشهد، به فکر افتاد که با استفاده از تجارت خود، مدرسه‌ای در مشهد بنا کند. این‌گونه شد که مدرسه معرفت مشهد بعد از مدرسه‌ای که رشدیه در مشهد راه‌اندازی کرده‌بود، ساخته شد. این مدرسه نخستین مدرسه مجانی مشهد است.

محمدعلی مدیر

با اینکه نهال مدرسه‌سازی را رشدیه در زمین مشهد کاشت، بسیاری، شیخ‌محمدعلی مدیر را پدر مدارس نوین مشهد می‌شناسند. او در سال ۱۲۷۳شمسی، نخستین مدرسه شبیه به مدارس نوین را در صحن عتیق آستان قدس رضوی ساخت. این مدرسه شکل و سامان مدارس جدید را نداشت اما به‌سبب مواد درسی جدیدی که در آن تدریس می‌شد، آن را اولین مدرسه جدید در مشهد نامیده‌اند. شیخ‌محمدعلی مدیر سه سال بعد از انحلال مدرسه همت، یک باب مدرسه چهارکلاسه در محله گندم‌آباد تأسیس کرد.

ادیب‌الممالک



اولین مدرسه به سبک و سیاق مدارس امروزی مشهد را در سال ۱۲۸۰ شمسی، مرحوم ادیب‌الممالک، مدیر روزنامه ادب، تأسیس کرد. محل این مدرسه، بازارچه عیدگاه، تیمچه سرپوشیده بوده است.

میرزامحمددانش بزرگ‌نیا

در سال ۱۲۹۶ شمسی، اولین دبیرستان خصوصی مشهد به نام «دانش» را میرزامحمددانش بزرگ‌نیا تأسیس کرد. این دبیرستان که ابتدا در کوچه شوکت‌الدوله قرار داشت، در سال نخست تحصیلی دارای ۲کلاس و درمجموع ۳۲دانش‌آموز بود. با گذشت دو سال از افتتاح نخستین دبیرستان خصوصی در مشهد، به‌علت مشکلات مالی، این دبیرستان، دولتی اعلام شد.

فروغ‌السلطنه آذرخشی



«فروغ‌السلطنه آذرخشی» بانویی است که اولین مدرسه دخترانه را در شهر مشهد بنیان نهاد. این بانو در سال ۱۲۶۰ خورشیدی در روستای ازغند از توابع تربت‌حیدریه متولد شد و به‌همراه خواهرش در مکتب‌خانه‌ها خواندن و نوشتن را فراگرفت.

در مشهد تا دهه سوم زندگی فروغ آذرخشی، مدرسه‌ای وجود نداشت، بنابراین او به فکر باز کردن مدرسه و باسواد کردن بچه‌های خود و دیگران افتاد. آذرخشی در ادامه، تصمیمش را با همسرش که رئیس تلگراف‌خانه روسیه در مشهد بود، درمیان گذاشت و پس از چندی با همیاری افرادی چون حاج‌مرتضی قهرمان‌میرزا متخلص به شکسته، اولین مدرسه دخترانه مشهد را ساخت.

کار ساختمان مدرسه از سال ۱۲۹۰ شمسی شروع شد و تکمیل آن بیش از سه سال طول کشید، با این همه مدرسه او به‌دلیل مخالفت بی‌شمار مردمی که تحصیل برای دختران را بد می‌دانستند، تا مدت‌ها به‌سختی دایر بود.